

جلسه ۲۱۳ (چ) ۹۰/۲/۷

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله‌ی دهم که مطالب فراوانی داشت به عرض رسید در این زمینه به کسانی که در نقاط ساکن هستند که شب و روز آنها بیست و چهار ساعت نیست در ظرف سال گاهی روزهای آنها طولانی است و گاهی شب‌های آنها طولانی است همانطور که عرض کردیم خداوند متعال، طوری تقدیر کرده است که همه‌ی سکنه‌ی کره‌ی زمین، نصف سال را در ظلمت و نصف سال را در نور و روشنایی به سر می‌برند این اختلاف لیل و نهار به این ترتیب یکی از آیات قدرت و حکمت پرودگار متعال است، اما خوب تا تقریباً ۵۰، ۶۰ درجه از خط استوا به طرف شمال و یا جنوب، شب و روز دوتایش بیست و چهار ساعت است ولی از آن که بگذریم به طرف قطب شمال و یا جنوب تفاوت. فراوانی در شب و روز به وجود می‌آید، گاهی به قطب که می‌رسد آنجا شش ماه شب و شش ماه روز است. مسئله‌ی دهم در همین رابطه بود، البته در مسئله‌ی دهم یک فرضی هم ذکر کردند که شراح و مشرحین گفتند که این واقعیت ندارد گفته است که اگر روز سه ماه باشد و شب شش ماه باشد، نه این درست نیست. تفاوت شب و روز به هر اندازه باشد مساوی خواهد بود اما نمی‌شود که در ظرف سال سه ماه روز باشد یا شش ماه شب و یا برعکس، بالاخره آن مسئله‌ای

که ایشان مورد بحث قرار داده است، شش ماه شب و شش ماه روز است و احتمالات و اقوال و مطالب که لازم بود، به عرض محترم رسید؛ کلام امام رضوان الله تعالی علیه این بود که روزه در آنجا واجب نیست، چون ماه رمضان ندارند. این جور فرمودند این شق اختیار کردند که شق سوم بحث عروه است؛ عروه گفته است که این بعید است ولی ایشان اختیار کردند که نه بعید نیست. که ماه رمضان ندارند و روزه واجب نیست، خوب این قدری در ارتکاز متشرعه بسیار بعید می‌نماید و برای خاطر اینکه کتب علیکم الصیام، اهمیت صیام با آن ترتیب؛ قرار باشد که به اینکه این‌ها روزه نداشته باشند، ماه رمضان نداشته باشند حکم و جوب ماه رمضان در برابرشان ساقط باشد که اگر مانند آنجا ده سال و پنج سال، اصلاً روزه نگیرند و چون ماه رمضان ندارند؛ این خیلی به نظر بعید می‌آید با توجه به فلسفه‌ای که برای عبادات داریم، عبادات ارتباط انسان را با خداوند برقرار می‌کند و محکم می‌کند به انسان کمک می‌کند فوائد و مصالح زیاد دارد و این‌ها از این قبیل عبادات به طور کلی برایشان واجب نباشد به این شرطی ارتکاز متشرعه این را نمی‌پذیرد ولی امام؛ این طور فرمودند، عرض ما این بود که ما نمی‌توانیم این را قبول کنیم اگر یک وقتی هم شک کردیم؛ چرا برای اینکه شک کنیم باز احتیاط واجب این است که یک شکل دیگری بگوییم یا فتوا و یا احتیاط واجب؛ و آن این است که خود امام رضوان الله تعالی علیه، نقضاً در همین تحریر

ظرف است که اصلاً خصوصیت ندارد آن را کار نداریم ولی آنجا که زمان به عنوان قید ذکر شده است و مثل نماز شب، شب دیگر قیدش است و روز دیگر شب نمی‌شود، رمضان، خوب ماه رمضان، روزه‌ی رمضان، خوب روزه در رمضان است دیگر، و آنها هم که رمضان ندارند، اینطور جاها که زمان به عنوان یک قیدی آیا وحدت مطلوب است و یا تعدد مطلوب است؛ ظاهر هر قید آن است که وحدت مطلوب باشد هر جا واجبی را مقید کردند به یک قید؛ قید زمانی و مکانی و یا هر چیزی ظاهرش این است که؟؟؟ محدود باشد که اگر آن قید نبود دیگر آن واجب نیست و چون مطلوب که بیشتر نیست. ولی حمل کردن این بر تعدد مطلوب و لذا می‌گوییم که ما قضا به قدر جدید است، و چون که آن برای نماز ظهرش است که مقید بود به همان ظهر، ظهر آن روز و نخواند؛ چون نخواند دیگر بعداً به چشم نمی‌آید که این واجب است و چون وحدت مطلوب بود دیگر وحدت مطلوب شد یک قید منتفی شد به کلی آن مجموعه منتفی می‌شود دیگر و لذا قضا به امر جدید است، زمان اگر به طور قید باشد چنانچه مکان به طور قید باشد ظاهرش وحدت مطلوب است؛ اگر این طور بشود خوب روزه بر شما واجب نیست چون رمضان ندارند؛ اما اگر خواهیم بگوییم که تعدد(?) دارد فکر می‌کنم بنده که در این جا ما ناچار با شیم بگوییم که تعدد مطلوب هر چند بر خلاف، ظاهر آن دلیل است ولی ناچاریم که از آن دست برداریم چون اگر اینطور

الوسیله در وسائل مستحدثه مطالبی را بیان فرموده است که ناچار شده است از این حرف که آن چه مربوط به زمان است در آنجا نباشد، دست برداشته است، چون معنایش این بود که آن چه مربوط به زمان است در آنجا چون زمان شکلش را تغییر دارد آن احکام آنجا نباشد و گفتن این حرف خوب بسیار بعید است ناچار شده است که چیزی بگوید که عرض می‌کنم؛ در تحریر الوسیله جلد ۲ صفحه‌ی ۶۰۶ از مسائل مستحدثه مسئله‌ی ۱۴ آن چایی که پیش بنده است ایشان فرموده‌اند به اینکه در آنجا در قطب که شش ماه شب و شش ماه روز است عده‌ای زن چه قدر حساب کنیم. خیلی از این مثال‌ها ذکر کرده است که بنده یک مقداریش را ذکر کردم خلاصه آنچه که در فقه اسلامی، مقید به زمان است، ذکر کرده است و گفته است که حالا اینها را ما رفتیم آنجا و یا آنهایی که در آنجا ساکن هستند در قطب چه کار کنند و در اینجا ناچار شده است که بگوید که به حسب آفاقا، و بر حسب آفاق، (صحبت‌های متفرقه) اینجا چه فرق دارد با ماه رمضان و اینها، امام رضوان الله تعالی علیه فرمودند که ماه رمضان چون رمضان ندارند روزه‌شان ساقط است و واجب نیست اما اینها مواردی است که مقید به زمان است؛ بالاخره در اینجا دو چیز داریم یکی حکم داریم نسبت به موضوع خودش و جوب صیام، یکی هم رمضان؛ این موارد مواردی است که حکمش موضوعی دارند و منتهی زمان هم در اینجا به عنوان قید ذکر شده است؛ و یا این زمان به عنوان

حساب کنیم که طول و عرض مدینه، جغرافیاییش. آن را میزان قرار بدهیم در ماه رمضان، از روی طول و عرض جغرافیایی که برای مدینه است و من اینجا نوشتیم، ما آن را برای خودمان معیار قرار می‌دهیم و چون برای اینکه عرض کردیم که طول در چه تأثیر دارد؟ عرض در چه تأثیر دارد؟ (صحبت‌های متفرقه) خوب این چنین است و از این جهت ما باید عرض مدینه را در نظر بگیریم که مدینه در چه عرضی واقع شده است، دیروز هم عرض کردم که آن جدولی بود که با توجه به فهمیدن عرض مقدار روز و شب را معین می‌کرد؛ خلاصه اگر این افراد که در آنجا هستند حالا در میان شهرهای متعارف و شهر مدینه را انتخاب بکنند و طول و عرض مدینه را حساب کنند و بر آن اساس هم نمازشان را بخوانند؛ که آن طول تأثیر دارد در نصف شب و طلوع و غروب، عرض تأثیر دارد در مقدار تفاوت شب و روز؛ از لحاظ طول و قصر کوتاهی و بلندی؛ خوب آن را معیار قرار بدهند برای خودشان، و ماه رمضان هم یکی از چیزهای گم‌شده‌ای نیست؛ برای این‌ها ماه رمضان را می‌توانند بفهمند. چون که ماه رمضان مربوط به سیر ماه است و نسبت به زمین دیگر این را می‌فهمند که کی ماه رمضان شد. منتها اینجا شش ماه شب و شش ماه روز است ماه رمضان را می‌توانند بفهمند دیگر، چون ماه رمضان را می‌فهمند شوال را می‌فهمند محرم را می‌فهمند ماه است و سالی دوازده ماه است و می‌توانند ماه‌ها را بفهمند و ماه رمضان شده

بگوییم؛ لازم‌اش این است که روزه برایش واجب نباشد و نماز هم در شش ماه چند رکعت باشد و در شش ماه دیگر چند رکعت باشد به خاطر اینکه ما نمی‌توانیم اینطور بگوییم، این بر خلاف ارتکاز متشرعه است که نماز به این شکل و روزه نباشد اینها، ما ناچاریم که حمل بکنیم بر تعدد مطلوب در آنجاها بگوییم به اینکه بله حالا که آن زمان برای شما فراهم نیست، اصل مطلوب را فراموش نکنید، اصل مطلوب نماز است حالا به چه شکلی باشد، اصل مطلوب را فراموش نکنید؛ نماز را فراموش نکنید و روزه را فراموش نکنید چنانچه در اینجاها ناچار شدید که زمان را تنزیل کنید و بر زمان ما؛ بر آفاق ما و بنابراین روزه را هم همین کار را بکنید و نماز را هم همین کار بکنید؛ بهترین جایی که می‌توانید این کار را بکنید به نظر بنده، مدینه است، اگر قرار است که یک شهری را ما اختیار کنیم؛ همان مدینه و محل اقامت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) خوب برای اینکه می‌خواهیم یک جایی را اختیار کنیم؛ ایشان در همان احتمال اول عروه فرمودند که رجوع کنید به بلاد متعارف، و یکی از آنها را اختیار کنید؛ عروه این طور گفته است احتمال اول، ما هم می‌گوییم که رجوع کنید به بلاد دیگر، و به زمین دیگر، یعنی به جای ضمیر متعارف، خوب آنچه که واقعاً ما فراق یقینی پیدا کنیم؛ اگر فتوا نباشد احتیاط وجوبی بگوییم چون نمی‌توانیم که صرف نظر بکنیم و بگوییم که هیچ چیزی نیست همان مدینه را ما می‌خواهیم بگوییم و خوب ما مدینه را

۵۷ هزار حدیث ما یک کلمه‌ای در باره‌ی این موضوع را ندیدم. این است که ما هرچه بخواهیم بگوییم، مسائل غیر متعلقات است. هر چه بخواهیم بگوییم از کلیات است که در قرآن و اخبار است چیزی استفاده کنیم اجتهاداً، و بگوییم این باعث شده است که این قبیل اقوال به وجود آمده است، خوب اجتهاد. این است ولو آن طور که ما می‌گوییم، تقریباً فراغ؟؟؟ حاصل می‌شود به نظر ما، آن طوری که ایشان می‌گویند به نظر ما فراغ عینه حاصل نمی‌شود و در شش ماه شب این هفت رکعت نماز خوانده است در شش ماه روز هم ده رکعت نماز خوانده است، این نمازش، اما نسبت به روزه‌اش اصلاً روزه نگرفته است و بی‌ماه رمضان، آیا آن بیشتر به دل آدم می‌چسبد و اطمینان می‌آورد و یا این ترتیبی که ما عرض کردیم عرض کردیم که ایشان ناچار شده است و آمده و مسائلی مثل بلوغ و فلان و فلان را با زمان ما درست کرده است بعد چند تا مسئله‌ی دیگر ایشان فرمودند (صحبت‌های متفرقه) مثال در آنجا زیاد آورده اند مثلاً اگر یک کسی در تهران روز عید بود و روزه گرفتن بر آن حرام بود، ولیکن پرواز کرد و رفت به استامبول و آنجا فردا عید است این باید دو روز حرام برایش باشد، این جور ۴ روز روزه حرام می‌شود چون که ما در یک نقطه هستیم که عید فطرو این اذها در سال دو روز برای ما حرام است اما کسی که جایش را عوض کند ممکن است که ایشان می‌فرمایند که در سال چهارروز برایش حرام می‌شود و هکذا، از این

است ولی آنجا شب است هم‌ماش، تاریک، ماه رمضان شده است و آنجا همش روز است، و روش. بر حسب دقایق و ساعات مدینه را در نظر بگیرند به طور قراردادی چند ساعت شبشان است و چند ساعت روزشان است، چه مقدار وقت طلوع فجرشان است و چه مقدار وقت افطار و غروبشان است؛ روزه می‌گیرند. نمازشان هم به همین ترتیب. این آیا بهتر است دل انسان را آرام می‌کند و یا نه اینکه بگوییم نه ماه رمضان ندارند و روزه برایشان واجب نیست و نماز هم در شش ماه شب، مغرب و عشاء بخوانند در شش ماه روز هم یک صبح و یک ظهر و عصر، کدام بیشتر به دل آدم می‌چسبد به دل متشرعه، باید همینطور بگوییم، این نظر ما بود در مقابل نظر امام رضوان الله تعالی علیه. خوب

سؤال :؟؟؟، خوب بعضی از مسائل است که در آن زمان، مطرح نبوده است و آیت الله العظمی بروجردی (ره) مسائل فقهی ما را دو دسته می‌کرد المسائل المتعلقات از ائمه (علیهم السلام) مسائلی است که متعلقات است و از آنها گرفته شده است ولو کلیش گرفته شده است و ما تفهیم بر آن می‌کنیم و اما کلیش گرفته شده است اما بعضی از مسائل غیر متعلقات هستند هیچ اثری و خبری از آن مسائل در روایات ما وجود ندارد، سی و پنج هزار حدیث ما در وسائل داریم ۲۲ هزار حدیث هم در مستدرک داریم؛ کلاً پنجاه و هفت هزار حدیث، یعنی شما یک نفر فقیه اقلأ یک دفعه اینها را دیده باشد، ۵۷ هزار حدیث مربوط به احکام داریم، ولی در این

سوال: چرا مدینه ملاک باشد و مکه ام القریا ملاک نباشد؟. بله ، چون پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چون اواخر بیشتر آنجا بوده است و خلاصه اگر متعارف را بخواهیم بگیریم مکه و مدینه اولویت دارند و مخصوصاً مدینه که بیشتر احکام آنجا، در مکه پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنایت داشته است به ساختن عقاید و ایمان مردم، استدلال‌های توحیدی و معادی و فلان و فلان بیشتر همان در سور مکی است و اما بیشتر در سور مدنی احکام عملی است .

قبیل فروع در مسائل مستحدثه زیاد ذکر کردند که مطالعه می‌کنید و بحث ما در مسئله‌ی دهم به این ترتیب تمام شد و بعد اینجا بنده نوشتیم مدینه را نوشتیم. طول شرقی مدینه، ۴۰ درجه، و عرض شمالی مدینه ۳۵ درجه، چون ما گفتیم که بر اساس مدینه بیابیم دیگر، و آن وقت این را ما با تهران و اینها حساب کنیم، خیلی فرق دارد با همدیگر، خوب حالا، (صحبت‌های متفرقه). بله امام کلامی دارد که بیاض یوم در بعضی از مسائل در بعضی از مسائل مقدار را ما نمی‌خواهیم که وارد بشویم در آن مسائل و بحث طولانی می‌شود؛ گاهی می‌فرمایند که بیاض یوم میزان است و مقدار زمان گاهی نه خیر، میزان یوم میزان است و ایشان می‌فرمایند که در عده و بلوغ و اینها مقدار زمان میزان است، منتها آن زمان را برای اینکه اصل آن است که چطور دختر رشد می‌کند به حدی می‌رسد که بالغ شد که پسر به چه حدی می‌رسد که بالغ می‌شود و اینجا زمان میزان است و شب و روز خیلی میزان نیست. اما در بعضی از جاها بیاض یوم میزان است کجا بیاض یوم میزان است مثل ماه رمضان، اول می‌گویند که شاید بتوانیم فرق بگذاریم که بیاض یوم میزان است مثل ماه رمضان و بگوییم که آنجا ساقط است و اما اینجا که مقدار میزان است مثل عده و بلوغ و اینجیزها آن جا دیگر حساب کنید این مانده است به اجتهاد شما؛ ما راه مسئله را عرض می‌کنیم، اما تحقیق این طرف و یا آن طرف مانده است به اجتهاد

شنوندگان محترم، شما عزیزان ،